

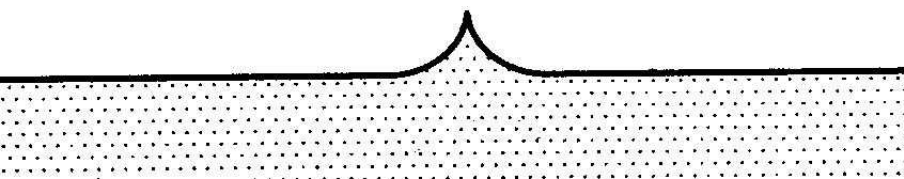
www.ketab.ir

اینک چرا آرنت بخوانیم؟

ریچارد جی. برنشتاین

ترجمه: شیرین کریمی

فلسفه‌ی سیاسی



ناشر: کراسه

نام کتاب: اینک چرا آرنست بخوانیم؟

نویسنده: ریچارد جی. برنشتاین

ترجمه: شیرین کریمی

ویراستار: الهه فلاح

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۷۶۵-۲-۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول؛ پاییز ۱۴۰۰

قیمت: ۶۰،۰۰۰ تومان

مدیر هنری و طراح هویت بصری: حسن کریمزاده

طراح گرافیک: حسین کریمزاده

مدیر تولید فنی: انوشه صادقی آزاد

ناظر چاپ: علی سجودی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

ایمیل: korasepub@gmail.com | اینستاگرام: @korasepub

۰۹۳۷۱۲۱۸۸۲۹

سرشناسه: برنشتاین، ریچارد ج.، ۱۹۳۲ م. - ۱۹۹۲ م. Bernstein, Richard J., 1932-

عنوان و نام پدیدآور: اینک چرا آرنست بخوانیم؟ / ریچارد جی. برنشتاین؛ ترجمه: شیرین کریمی؛ ویراستار: الهه فلاح.

مشخصات نشر: تهران: کراسه، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۱۳۸ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س. م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۷۶۵-۲-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Why read Hannah Arendt now, 2018.

یادداشت: واژه‌نامه.

موضوع: آرنست، هانا، ۱۹۰۶-۱۹۷۵ م. -- نقد و تفسیر | Arendt, Hannah- Criticism and interpretation

موضوع: آرنست، هانا، ۱۹۰۶-۱۹۷۵ م. -- دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی | Arendt, Hannah - Political and social views

موضوع: آرنست، هانا، ۱۹۰۶-۱۹۷۵ م. | Arendt, Hannah

شناسه افزوده: کریمی، شیرین، ۱۳۶۲ م. - مترجم

رده‌بندی کنگره: JC۲۵۱

رده‌بندی دیویی: ۳۲۰/۵۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۴۹۲۵۹

وضعیت رکورد: فیبا



نشر کراسه

در این کتاب می‌خوانید

- یادداشت مترجم | ۷
- سپاسگزاری | ۹
- پیشگفتار | ۱۱
- یادداشت‌ها | ۱۸
- بی‌تابیتی و پناهندگان | ۱۹
- حقی حقوق داشتن | ۲۹
- آپوزیسیون وفادار: آرنت و نقد صهیونیسم | ۴۱
- نژادپرستی و جداسازی | ۵۱
- ابتدالی شر | ۵۹
- حقیقت، سیاست و دروغ | ۶۷
- تکثر، سیاست و آزادی عمومی | ۸۱
- انقلاب آمریکا و روح انقلابی | ۹۷
- مسئولیت شخصی و سیاسی | ۱۰۷
- ارجاعات | ۱۱۱
- هنر فاصله‌گذاری اجتماعی براساس آرای هانا آرنت | ۱۱۵
- هانا آرنت فیلسوف امروز است | ۱۲۳
- واژگان هانا آرنت | ۱۳۵
-

در دسامبر ۱۹۷۵ وقتی هانا آرنت از دنیا رفت بیشتر به دلیل جنجال‌ها بر سر گزارش او از دادگاه آدولف آیشمن^۱ و عبارت «ابتدال شر»^۲ شناخته می‌شد. گروهی از تحسین‌گران و منتقدان در ایالات متحده و آلمان از سایر نوشته‌های آرنت باخبر بودند، ولی او در ردیف متفکران سیاسی اصلی به شمار نمی‌آمد. در سال‌های پس از مرگ آرنت این اوضاع به تمامی تغییر کرده است. در سرتاسر جهان کتاب‌های آرنت به ده‌ها زبان ترجمه شده است و مردم علاقه‌ی زیادی به کارهای او دارند. این طور که پیداست برای کتاب‌ها، همایش‌ها و مقالاتی که بر آرنت و اندیشه‌های او متمرکزند پایانی وجود ندارد. هر سال‌های اخیر مباحث و ارجاعات به آرنت به وفور به رسانه‌های اجتماعی راه یافته است. چرا چنین علاقه‌ی فزاینده‌ای وجود دارد؟ و چرا در سال‌های اخیر به خصوص کارهای او در کانون توجه قرار گرفته است؟ آرنت درک فوق‌العاده‌ای از برخی از عمیق‌ترین مسائل، بن‌بست‌های منطقی^۳ و گرایش‌های مخاطره‌آمیز در زندگی سیاسی مدرن داشت. بسیاری از این مسائل، وضعیت‌ها و گرایش‌ها از بین نرفته‌اند؛ بلکه شدیدتر و خطرناک‌تر شده‌اند. وقتی آرنت درباره‌ی «اعصار ظلمت» گفت، منظورش فقط وحشت از توتالیتاریسم قرن بیستم نبود. او می‌نویسد:

اگر کارِ عرصه‌ی عمومی پرتوافکندن بر امور آدمیان با ایجاد فضای حضور به هم‌رسانی باشد، یعنی فضایی که آدم‌ها در آن با کردار و گفتار خود، چه نیک چه بد، نشان دهند که‌اند و چه می‌توانند بکنند، پس ظلمت وقتی سر می‌رسد که این نور با «شکاف‌ها میان

1. Adolf Eichmann

2. the banality of evil

3. perplexities

گفتار و کردار» و «دولت نامرئی» خاموش شده باشد؛ ظلمت وقتی سر می‌رسد که این نور با سخنی خاموش شود که چیرستی آن را فاش نمی‌کند و آن را پنهان می‌سازد؛ ظلمت وقتی سر می‌رسد که پند و اندرزهای اخلاقی و مانند آن، به بهانه‌ی حفظ حقیقت‌های کهن، تمام حقیقت را در حد بی‌معناترین ابتذال بی‌قدر می‌کند. (آرنت، ۱۹۶۸: ص هشت)^۱

به سختی می‌توان در برابر این نتیجه‌گیری ایستادگی کرد که ما اینک در دورانی تاریک به سر می‌بریم که سراسر جهان را در بر گرفته است. به نظر آرنت حتی در تاریک‌ترین دوران هم می‌توان به یافتن اندک نوری امید داشت. نوری که از زندگی‌ها و کارهای افراد ساطع می‌شود نه از نظریه‌ها و مفاهیم می‌گوئیم. می‌گوئیم نشان دهم آرنت این نور را ساطع می‌کند و در داشتن دیدگاهی انتقادی به مسائل سیاسی و بن‌بست‌های منطقی جاری یاری‌رسان ما است. او متفقد تیزبین گرایش‌های مخاطره‌آمیز در زندگی مدرن است و به امکان‌های بازیابی شأن و منزلت سیاست روشنایی می‌بخشد. به همین دلیل امروز خواندن و بازخوانی آرنت ارزش دارد. اما هانا آرنت که بود؟ با شرحی موجز درباره‌ی برخی از رویدادهای مهم زندگی او که اندیشه‌اش را شکل داد آغاز می‌کنم. او مجذوب جذبه‌ی ماکیاولی نسبت به ایزدبانوی فورتونا^۲ شد (فورتونا تقریباً به «بخت»،

۱. credibility gaps

۲. Fortuna، فورتونا در کنار ویرتو دو اصطلاح تعیین‌کننده در اندیشه‌ی ماکیاولی است. ویرتو در مقام قسمی قدرت مردانه که به فراست و دوراندیشی و نیز فرصت‌شناسی و درک موقعیت‌مند اشاره دارد، عملاً در حکم مهم‌ترین خصیصه‌ی بایسته‌ی شهریار جدید نزد ماکیاولی است. فورتونا بیش از هر چیز به بخت چموش و گریزنا اشاره دارد و در نظام ماکیاولی به نوعی از حرکت تاریخ اشاره دارد. از منظر اسطوره‌شناسی اما ایزدبانوی فورتونا در رم باستان الهه‌ی ثروت و نیک‌بختی و تجسم خوشبختی و شانس و اقبال در صورت یک شخصیت است. ماکیاولی درباره‌ی ایزدبانوی فورتونا می‌گوید: «فورتونا زن است، و اگر کسی می‌خواهد او را به انقیاد خود درآورد لازم است که او را بزند، و می‌بینیم که او بیشتر خود را در اختیار آن‌هایی قرار می‌دهد که بی‌پروایند تا آن‌ها که به سردی رفتار می‌کنند.» م.